



ISSN:2588-7033



The Voice of Peace in War Poetry: A Comparative Textual Study of Selected Poems by Gheysar Aminpour and Wilfred Owen

Masood Keshavarz^{a*}, Habibolah Khezri Ghaheh^b

^a Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Arak University, Arak, Iran

^b MA in English Literature, Department of English Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Arak University, Arak, Iran

KEYWORDS

Gheysar Aminpour, Wilfred Owen, war poetry, voice of peace

Received: 19 June 2023;

Accepted: 30 September 2023

Article type: Research Paper

DOR: 20.1001.1.25887033.1402.7.1.6.5

ABSTRACT

War poetry of the 20th century in many cases implies a voice for peace. Gheysar Aminpour (1959-2007) and Wilfred Owen (1893-1918), famous war poets of this century, were selected for this comparative study, which using a descriptive analytical method focuses on the existence or non-existence of the voice of peace in the two poets' war poetry based on American School of comparative literature. To this end, ninety-five war poems of each poet were initially reviewed. Then, thirteen poems of each poet were chosen. Finally, four poems with the highest degree of relevance to the voice of peace were selected. The findings show that both poets call for peace in different ways. That is, lyric speakers in Aminpour directly call for peace while those of Owen, through depicting the calamities and horrors of war, indirectly address the unconscious of the readers. The findings of the research can be used in comparative studies with emphasis on hidden themes in war prose and poetry that should be unearthed.

* Corresponding author.

E-mail address: m-keshavarz@araku.ac.ir

2023 Published by Arak University Press. All rights reserved..





صدای صلح در شعر جنگ: تطبیق متن محور گزیده اشعار قیصر امین پور و ویلفرد اوون

مسعود کشاووز الف*، حبیب الله خضری قهه^ب

الف استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی، دانشگاه اراک، اراک، ایران
 ب دانش آموخته کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
قیصر امین پور، ویلفرد اوون، شعر جنگ، صدای صلح	"شعر جنگ" قرن بیستم میلادی در بسیاری موارد صدای صلح را در بطن خویش دارد. اشعار قیصر امین پور (۱۳۳۸-۱۳۸۶) و ویلفرد اوون (۱۸۹۸-۱۹۱۸) شاعران جنگ شناخته شده این قرن برای مطالعه تطبیقی انتخاب شدند. مسئله این پژوهش توصیفی-تحلیلی بررسی وجودی عدم وجود صدای صلح طلبی در اشعار جنگ در چارچوب ادبیات تطبیقی (مکتب آمریکایی) است. نخست نود و پنج سروده با مضمون جنگ از دو شاعر بررسی، سپس سیزده شعر از هرکدام از آنها برگزیده شد. انتخاب نهایی متمرکز بر مرتبط ترین اشعار با موضوع "صدای صلح" گردید. چهار شعر تطبیق شده پژوهش نشان می دهند شاعران مذکور هر دو در اشعار جنگی مورد بحث ندای صلح طلبی سر داده اند اما تفاوت در نوع بیان آنها مشهود است. به عبارت دیگر تحلیل اشعار ذکر شده نشان می دهد گویندگان در شعر امین پور به صراحت و بی واسطه صدای صلح طلبی خویش را درگوش مخاطبین طنین انداز می کنند. درحالی که سخن گویان شعر اوون با به تصویر کشیدن وحشت جنگ و طرح آلام ناشی از آن صدای صلح طلب خود را به شکل غیر مستقیم به ضمیر ناخودآگاه مخاطب انتقال می دهند. یافته های این جستار می تواند در بررسی ادبیات جنگ با تمرکز بر رویکرد تطبیقی بخشهای ناگفته یا نهفته ای را آشکار سازد که در آثار منظوم یا منثور جنگ مستور مانده و نیاز به رونمایی دارند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸	
مقاله علمی پژوهشی	

مقدمه

قیصر امین پور (۱۳۳۸-۱۳۸۶) شاعری شناخته شده در شعر معاصر ایران و به خصوص شعر دفاع مقدس محسوب می شود. ویلفرد اوون (۱۸۹۸-۱۹۱۸) شاعر معاصر انگلیسی نیز در شعر جنگ از شهرت بسیار برخوردار است. بررسی تطبیقی گزیده ای از اشعار این دو شاعر با زمینهی مشترک جنگ و موضوعات مربوط به این پدیدهی تاریخی آفریدهی بشر، موضوع اصلی این مقاله را تشکیل می دهند.

موضوعات یا مضامینی که هر دو شاعر به آنها می پردازند در مواقعی چنان تداعی کنندهی یک دیگر هستند که می توانند پژوهش گر علاقه مند به ادبیات تطبیقی را تشویق به مطالعهی بیشتر و عمیق تر اشعار این دو چهرهی ادبی بنماید. به عنوان مثال، شعر «باران زرد» از مجموعهی آینه های ناگهان با تصویری که از حملات شیمیایی ارائه می دهد، خواننده آشنا با شعر انگلیسی را به یاد شعری با عنوان لاتین Dulce et Decorum Est (مرگ برای وطن برانزنده و خواستنی است) از ویلفرد اوون می اندازد.

در نمونه ای دیگر و با استناد به آنچه حسن حسینی اظهار می دارد، «جنگ همواره در هر کجای جهان دو راوی داشته و دارد: یکی

مردم و دیگری رسانه‌های دولتی! قیصر در این اثر «شعری برای جنگ» با طعنی پنهان به رسانه‌های نارسا - اینجا خبر همیشه فراوان است! - از درون سینه مردم دزفول - یعنی ایرانی‌های خط مقدم - هم خبر داد» (۱۳۸۷:۱۱۴). نقل قول مذکور برای خواننده‌ی آشنا با اشعار ویلفرد اوون تداعی کننده‌ی شعر (Smile, Smile, Smile) «لبخندبزن، لبخندبزن، لبخندبزن» است که در آن تصویر ارائه شده از جنگ و دستاوردهای آن در روزنامه‌ها با آنچه سربازان در خط مقدم تجربه می‌کنند فاصله‌ی بسیار دارد.

ارائه نمونه‌های بیشتر از اشتراکات موضوع و مضمون میان آثار این دو شاعر امکان‌پذیر است؛ اما موارد فوق بدین منظور ذکر شده‌اند که چگونگی شکل گرفتن مبنای اصلی مطالعه تطبیقی موجود شرح داده شود.

در بررسی بیشتر و مطالعه‌ی همزمان مجموعه آثار این دو شاعر شناخته شده در کشورهای خویش، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که علی‌رغم شهرت امین پور به عنوان شاعر جنگ، یکی از بارزترین وجوه بعضی اشعار او تمایل راوی به پایان جنگ و سردادن ندای صلح است و همین موضوع در شاعری مانند اوون که به ضد جنگ بودن در بیشتر اشعار خویش اشتها دارد، دلیل پرداختن این مطالعه تطبیقی به مضمون «صدای صلح» درگزیده آثار این دو شاعر است.

اگر گفته مک لاخلین (Mc.Loughlin) درباره‌ی دلیل نوشتن از جنگ را در نظر بگیریم که «اگرچه کمتر گفته شده است، به هر حال این فکر پذیرفتنی است که نوشتن درباره جنگ باعث مطرح شدن صلح میشود» (2009:18) و اگر به گفته نگاید (Ngide) استناد نماییم که «بدون شک ویلفرد اوون یک شاعر جنگ است اما بیشتر یک شاعر در حال جنگ با جنگ و جنگ افروزان است» (2016:176)، آنگاه می‌توانیم ادعا کنیم آرزوی صلح و تمنای آن در بطن هر شعر مرتبط با جنگ نهفته است؛ و پرسش اصلی این پژوهش تطبیقی را مطرح نماییم که صدای صلح در اشعار امین پور و اوون چگونه بازنمایی شده و تفاوت‌ها یا شباهت‌های احتمالی این بازنمایی کدامند.

این ادعا که شعر امین پور در برگزیده مضامین مربوط به صلح است، در حالی که او را بیشتر به عنوان شاعر جنگ شناخته‌اند، قبلاً توسط غلامحسین ابراهیمی دینانی مطرح گردیده است. به طوری که به گفته‌ی ابراهیمی دینانی «ایشان را به عنوان شاعر جنگ می‌شناسند اما به نظر من ایشان شاعر صلح است» (۱۳۸۷:۱۹). احمد رضا احمدی او را «جامع اضداد» می‌داند. اسماعیل امینی در بیانی کنایه آمیز به آنها که شتاب‌زده می‌خوانند و نقد می‌کنند، می‌گوید «تا نفرمایید که قیصر از شعر ایدئولوژیک به شعر عاشقانه و از شعر جنگ به شعر ضد جنگ روی آورده بود» (۱۳۸۷:۲۳).

نمونه نظریه‌های فوق و چالشی که در بطن آنها دیده می‌شود دلیل دیگری است که نگارندگان را به بازخوانی اشعار امین پور و تطبیق آنها با اشعار اوون تشویق کرده است. به باورگیفورد (Gifford) «برای درک یک نویسنده، مطالعه آثار وی در زبان اصلی کفایت نمی‌کند. نویسندگان مطرح خوانندگان خویش را وادار می‌کنند به خارج از قلمرو فرهنگی اثر نگریسته و برای درک بهتر، نگرش تطبیقی خود را تقویت نمایند» (۱۹۶۹:۱۴). به عبارت دیگر، امید است پژوهش حاضر در بازخوانی تطبیقی خویش بتواند اشعار امین پور و اوون را چنان در کنار یکدیگر قرار دهد که تقابل دوگانه‌ی جنگ - صلح وجهی دیگر از خویش را به ما بنمایاند. زیرا آنچه‌چنان که انوشیروانی تأکید نموده «برخی مضمون‌ها و بن‌مایه‌ها و دغدغه‌های دیگر هستی آنقدر جهانی‌اند که پایانی برای آن نمی‌توان متصور شد» (۱۳۹۷:۱۰). جنگ و صلح قطعاً همواره از دغدغه‌های بی‌پایان انسان به شمار می‌آید. علاوه بر آن، به باور دومینگوز و همکاران (2015:11) مطالعات تطبیقی بینا- فرهنگی با تأکید بر ارزش‌های مشترک انسانی که فراتر از مرزها وجود دارند، در افزایش درک متقابل فرهنگ‌ها از یکدیگر مؤثر هستند.

پیشینه تحقیق

شعر جنگ در گذر تاریخ تغییر ماهیت داده و دیگر تنها به بیان قهرمانی و شجاعت جنگاوران در صحنه نبرد نمی پردازد. جنگ‌های مدرن و پسامدرن بر اساس فن‌آوری‌های گوناگون چنان‌چهره متفاوت و دهشتناکی یافته‌اند که مجالی ناچیز برای سوگواری یا پرداختن به ویژگی‌های شخصیتی افراد باقی گذاشته‌اند. به عبارت دیگر، امروزه جنگ به عنوان یک پدیده تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی انسان و هنرمند (شاعر) معاصر را با پدیده‌ای روبه‌رو نموده که تصویر کردن یا سرودن در وصف آن نیاز به زبان متفاوتی دارد کمپیل معتقد است پرسش امروز تنها محدود به این نیست که چگونه می‌توان به مضمون جنگ پرداخت بلکه باید دید آیا ژانرهایی مانند حماسه یا تراژدی که در گذشته برای پرداختن به جنگ استفاده می‌شدند در شرایطی که تجربه انسان معاصر از این پدیده‌ی خویش - ساخته آن را تهی از معنا یافته هنوز کاربرد دارند و قادر به بازنمایی آن هستند یا باید گونه ادبی دیگری به کار گرفته شود. برای شاعرانی که شاهد و درگیر جنگ‌های قرن بیستم بوده‌اند فقدان مفاهیمی مانند وطن پرستی دلیل موجه ذهنی - پایدار یا موقت - برای جنگیدن است و بیهودگی تلاش در این میدان به استفاده از قالب یا زبان شعری منجر شد که دیگر محدود به حماسه، تراژدی یا مرثیه نیست. این بیان متفاوت، به باور کمپیل، برای یافتن نوعی از نوشتار شاعرانه است که نه تنها وحشت معاصر بلکه مسئولیت شاعر در زمینه‌های سیاسی و هنری را بازگو نماید (۲۰۰۱:۶۹). زبان و مسئولیت شاعرانه در مواجهه با جنگ نقطه اشتراک دیگری است که جستار پیش رو برای تطبیق گزیده اشعار امین‌پور و اوون بر آن تأکید دارد. به عبارت دیگر، احساس مسئولیت هر دو شاعر در دعوت مخاطب به صلح، چنان‌که بحث خواهیم کرد، منجر به تفاوت ماهیت زبان شعر جنگ آنها با دیگر شاعران جنگ گردیده است.

۱- اشعار قیصرامین پور

تعداد پژوهش‌های انجام شده درباره اشعار امین‌پور نشانگر اهمیت او در عرصه شعر معاصر است. اما مرور مطالعاتی که در اینجا به آن پرداخته می‌شود با تکیه بر آن دسته از پژوهش‌ها یا آرای مطرح شده در محدوده‌ی جستار حاضر است. برای مثال ضیاء‌الدین ترابی (۱۳۸۷) به دسته‌بندی اشعار وی در دو قالب حماسی و درام پرداخته و اضافه می‌کند که شعرهای درام او کمتر دارای لحنی غم‌انگیزند و میان این سروده‌ها با سوگ سروده‌ها تفاوت کلی وجود دارد. علاوه بر آن، ترابی معتقد است وجه غالب شعرهای او به گونه‌ای است که در آن عنصر عاطفه، زبان و بیان بر سایر عناصر برتری یافته است.

حسن حسینی (۱۳۸۷) در بررسی «شعری برای جنگ» بر نمادهای درشت و دردآور از زشتی‌های تجاوز دشمن به قصد بیدارکردن «دیوار»هایی که در پایتخت می‌کوشیدند تا از جنگ «مینیاتور»های دل‌فریب ارائه دهند تأکید می‌نماید. همانگونه که قبلاً گفته شد، یکی از بارزترین وجوه اشتراک بین اشعار امین‌پور و اوون به رخ کشیدن همین دو روایت متضاد از واقعیت جنگ برای پرهیز از آن به شمار می‌آید.

حمیدرضا شکارسری (۱۳۸۷) در بررسی تکوین و تبلور شعر امین‌پور حرکت وی از «من جمعی» به سمت «من فردی» همراه با کارکردهای صریح معنا رسانی و محتواگرایی به سمت شعری درون‌گرایانه را دریافته؛ و معتقد است شعر وی در بردارنده‌ی نوعی نگاه انسان مدارانه و رمانتیک به لحظات ناب انسانی در صحنه جنگ یا حاشیه آن است و حتی فضای نوستالژیک آن، به حسرت عارفانه شاعران کلاسیک شعر فارسی شباهت می‌یابد. آنچه «انسان مدارانه و رمانتیک» خوانده شده از نگاه برخی منتقدین در اشعار ویلفرد اوون نیز حضور و ظهور یافته و تأثیرپذیری شعر او از شاعران رمانتیک انگلیس نظیر جان کیتس و ویلیام وردزورث موضوع پژوهش‌های بسیاری بوده است.

محمد رضا شالبافان (۱۳۸۷) بر تفاوت شعر قیصر با دیگر شاعران جنگ تأکید می‌نماید و معتقد است حضور خود قیصر در عرصه‌ی جنگ و پرهیز از شعار گرایی و کلیشه‌های از پیش تعیین شده دلیل وجودی چنین تفاوتی هستند. در اینجا باید یادآور شویم ویلفرد اوون نیز در میدان نبرد جنگ جهانی اول حضور داشت و در نهایت جان خویش را در همین عرصه از دست داد. به این دلیل وجه اشتراک دیگر این دو شاعر تجربه ملموس آنها از واقعیت جنگ است که شعر آنها را از سایر شعرای جنگ متمایز ساخته است. راکعی (۱۳۸۶) نیز بر نگاه متفاوت امین پور به جنگ، آدم‌ها و فضای اطرافش تأکید می‌ورزد. او باور دارد «شعری برای جنگ»، با «نگاهی به دور از خشونت و لطیف به جنگ برای شاعری از دزفول، شهری که جنگ و پیامدهای آن را در قلبش لمس کرده بود» مایه تعجب بوده است.

هادی سعیدی کیاسری در بررسی آثار قیصر نتیجه می‌گیرد که پس از پایان جنگ آرمان‌های قیصر به پایان نرسیدند بلکه بعدها سیر او به سمت رهایی همه بشریت است و اینکه همه نیکی‌ها و پاکی‌ها را برای همه بخواهیم... شعر «روز ناگزیر» روز آرمانی قیصر را به تصویر می‌کشد؛ روزی که در آن کرامت انسانی ترمیم می‌یابد و در جهانی که در آن روز محتوم کرامت انسان‌ها به آنها باز می‌گردد نه ظلمی وجود دارد و نه جنگی واجب می‌آید (۱۳۸۶: ۱۲۲).

بزرگداشت چنین روزی که فرارسیدن آن ناگزیر محسوب شده است و در آن جنگی وجود نخواهد داشت، آرزومندی شاعر برای صلح را در بطن خویش پرورانده است؛ و همانطور که خواهیم دید اشعار دیگر امین پور بر گرامی‌داشت صلح با صراحت یا غیر مستقیم تأکید ورزیده‌اند. وجود چنین تأکید واضح یا در لفافه‌ای بر تمنای صلح، در کنار تصویر دهشتناک و مخوفی که از جنگ و اثرات آن در اشعار قیصر وجود دارند، ما را به آن دسته از اشعار ویلفرد اوون رهنمون می‌کند که در آنها جنگ چنان منفور و ملموس عینیت یافته است که آرزوی صلح را در ذهن خواننده می‌آفریند.

بهره‌ور و نیکخواه (۱۳۹۱) تأثیر جنگ بر کودکان را در اشعار امین پور بررسی نموده و موضوعاتی نظیر بی‌پناهی، از دست دادن والدین، انتظار کودکان برای دیدن دوباره پدران را در آنها یافته‌اند. صداقت (۱۳۹۸)، مسئله جنگ و صلح را به طور کلی در تمام اشعار امین پور دنبال نموده و اظهار می‌دارد قیصر امین پور در دوره سوم شاعری خود طرحی برای صلح و یادآوری خرابی‌های جنگ دارد. زرین کمر و سیار (۱۳۹۹) اشعار جنگی امین پور را به دو قطب «تشویقی» و «تحلیلی» و یک «مرحله گذار» میان آن دو تقسیم نموده است و معتقد هستند که هر سه رویکرد به شعر جنگ در این آثار دیده می‌شوند؛ اما این اشعار در دوران جنگ به قطب تشویقی و در دوران صلح به قطب تحلیلی تمایل یافته‌اند.

آنچه در مرور مطالعاتی فوق مشخص می‌گردد اذعان کلی پژوهشگران به تنوع سوگیری راویان اشعار امین پور نسبت به جنگ و مضامین مربوط به آن بوده است. به عبارت دیگر، بازنمایی جنگ در اشعار امین پور مسیری تکوینی و گوناگون رانشان می‌دهد. با نگاهی تطبیقی به گزیده آثار امین پور و اوون که متمرکز بر چگونگی بازتاب صدای صلح شکل گرفته، این جستار امیدوار است به افق جدیدی در مطالعات حوزه تطبیقی ادبیات جنگ دست یابد.

۲- مطالعات تطبیقی

سیخان و جمال (۲۰۱۷) زشتی جنگ را از نظر مرده‌گویی (گفتن از زبان مردگان) در شعر «ملاقات غریب» (Strange Meeting) اثر ویلفرد اوون و شعر «گورستان چراغان» از شیرکو بیکس بررسی نموده و نتیجه می‌گیرند اهمیت این دو شعر در به

تصویر کشیدن زشتی جنگ، پیامدهای مخرب و افکار خطرناک ناشی از آن نهفته است.

جاوید شاد و برجساز (۱۳۹۶) در پژوهش تطبیقی خویش با رویکردی سبک شناختی شعر «سرباز» اثر روپرت بروک و شعر «شیرین است و افتخار آمیز» سروده ویلفرد اوون را در کنار یکدیگر و در دو مکتب ادبی جداگانه تحلیل کرده و دریافته‌اند که شعر نخستین، نگاهی ایده آل‌گرایانه و شعر دوم، برداشتی واقع‌گرایانه از جنگ اول جهانی را به تصویر کشیده‌اند.

شمس آبادی و کارآمد (۱۳۹۷) در مقایسه تصویر انسان آواره و کودک جنگ زده در اشعار محمود درویش و قیصر امین‌پور ضمن بررسی «شعری برای جنگ» می‌گویند «گویی در این شعر قیصر هم شاعر جنگ است و هم شاعری ضد جنگ».

جاوید شاد و نعمتی زیارتی (۱۳۹۸) در پژوهشی دیگر برخی اشعار سروده شده در آغاز جنگ اول جهانی را با تعدادی از اشعار متعلق به سال‌های پایانی جنگ تطبیق داده و بر اساس مفاهیم هژمونی و ضد هژمونی، آنها را در دو گروه اشعار سنتی و ارگانیک طبقه‌بندی نموده‌اند. آنها با استناد به نظریه آنتونیو گرامشی مفاهیم ملی‌گرایی، مذهب و مرگ را در اشعاری برگزیده که اشعاری از ویلفرد اوون را نیز در بر می‌گیرند، بررسی کرده و دریافته‌اند این مفاهیم در اشعار سروده شده در سال‌های پایان جنگ دچار تغییر ماهیتی ساختار شکن شده‌اند.

کریم آبادی (۲۰۱۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود که به زبان انگلیسی نوشته، کاربرد تصویر سازی در اشعار جنگ ویلفرد اوون و امین‌پور را تطبیق داده و نتیجه گرفته است که تصویرگری هسته مرکزی کار هر دو آنهاست و آنها سعی می‌کنند با مخاطبشان از طریق ارائه تصاویر صحبت کنند.

تقوی‌پور (۲۰۱۸) در مطالعه تطبیقی خود به زبان انگلیسی اشعار اوون و کیت داگلاس را بر اساس مضمون آنها بررسی می‌نماید و نتیجه می‌گیرد در جنگ جهانی اول سربازان به مثابه ابزار جنگی و فاقد هرگونه وجه انسانی به کار گرفته شده‌اند و اشعار اوون فرآیند انسان‌زدایی سربازان را به تصویر کشیده است.

۳- شیوه پژوهش

این مطالعه توصیفی-تطبیقی در چارچوب ادبیات تطبیقی آمریکایی به تحلیل اشعار امین‌پور و اوون بر اساس متن اشعار منتخب می‌پردازد. به عبارت دیگر، شیوه پژوهش متن محور و با تمرکز بر واژه‌ها، عبارات و جملات در پی یافتن بازتاب صدای صلح در متن اشعار است. براساس نظریه یوست (Jost) که از پایه‌گذاران این مکتب تطبیقی محسوب می‌شود، هیچگونه محدودیت در نظریه ادبی، تفاوت در ژانر، ملیت آثار مورد تطبیق یا مفاهیم مورد مطالعه وجود ندارد؛ و محقق می‌تواند با برگزیدن و تساهل در انتخاب، گستره تحقیق را وسعت بخشد. نگارندگان بر این باورند که پژوهش حاضر با انتخاب ژانر یکسان، موضوع مشترک (صدای صلح) از دو شاعر معاصر با دو ملیت متفاوت، تحلیل تطبیقی مناسبی به شمار می‌آید. علاوه بر آن، چنانکه دومینگوز و همکاران (۲۰۱۵) از قول دیوید دمراش (Damrosch) نقل می‌کنند «حیات مؤثر یک اثر ادبی در گستره ادبیات جهان زمانی شکل می‌گیرد که آن اثر در هر زمان یا مکان بتواند خودش را در یک ساختار ادبی و فراتر از فرهنگ اصلی خویش به نمایش بگذارد» (۳). به همین دلیل، مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی که دغدغه‌های تطبیق در میدان تحقیق گسترده‌تری را پذیرفته است، برای این پژوهش از مکاتب فرانسوی و آلمانی با زمینه‌های محدود کننده آنها کارآمدتر خواهد بود.

جمع‌آوری داده‌ها به گونه‌ای بوده که از مجموع چهل و نه شعر مرتبط با جنگ سروده امین‌پور و چهل و شش شعر با همین موضوع از سروده‌های اوون، اشعاری انتخاب شدند که مضمون صلح یا اشتیاق به آن در آنها وجود دارد. از میان این تعداد سیزده شعر از هر

یک از دو شاعر برگزیده شده و در نهایت بحث و بررسی تحقیق بر چهار شعر از هر یک از آنها تمرکز یافته است.

بحث و بررسی

در این بخش ابتدا گزیده اشعار امین پور که در آنها ندای صلح طلبی آشکار یا در لفافه به گوش می رسد ذکر و متن آنها تحلیل خواهد شد. در گام بعد، گزیده اشعار اوون که این ویژگی را دارا هستند معرفی و بررسی می شوند. ترجمه فارسی اشعار توسط نویسندگان این جستار صورت گرفته است و در فرآیند بحث و تحلیل به خواننده نا آشنا با زبان انگلیسی کمک خواهد کرد تا دریافت بهتری از بررسی و بحث داشته باشد.

۱- اشعار امین پور

۱-۱- روز ناگزیر

در این شعر امین پور جهانی را تصویر می کند که در آن از جنگ خبری نیست:

و خواب در دهان مسلسل ها/ خمیازه می کشد/ و کفش های کهنه سربازی/ در کنج موزه های قدیمی/ با تار عنکبوت گره می خورند/ روزی که توپ ها/ در دست کودکان از باد پر شوند (امین پور، ۱۳۹۷: ۱۲).

زبان ساده و صریح شعر واضح تر از آن است که نیازمند تفسیر باشد؛ اما واژه ای که می تواند مورد بحث قرار گیرد «توپ» در دو معنای ابزار جنگی یا ابزار بازی کودکان است که پر شدن آن از باد برای معنای اول، اشاره به بی خطر بودن و برای معنای دوم، به مفهوم آماده شدن برای استفاده کودکان است. گره خوردن کفش های سربازی با تار عنکبوت در کنج موزه های قدیمی بر زمان طولانی بی مصرف ماندن و نقش نمایشگاهی آنها در بازدید از موزه به عنوان سرگرمی یا مرور تاریخ گذشته تأکید دارد. آنچه امین پور در این بخش از شعر به تصویر می کشد آرزوی جهانی پر از صلح است که در آن «پرواز دست های صمیمی/ در جستجوی دوست/ آغاز می شود.../ روز وفور لبخند/ لبخند بی دریغ/ لبخند بی مضایقه چشم ها/ آن روز/ بی چشم داشت بودن لبخند/ قانون مهربانی است» (همان).

باقری و توکلی (۵۸:۱۳۹۴) به این نتیجه رسیده اند که با پایان جنگ بسامد مضامین مربوط به آن در شعر امین پور کاهش می یابد و در دفترهای پایانی شعر خود از لزوم صلح سخن می گوید و آرزوی بسته شدن پرونده سیاه جنگ در سراسر جهان را دارد. شعر فوق از سروده های وی پس از پایان جنگ است. نگارندگان بر این باورند که پذیرش یا رد چنین تغییری بسامدی نیاز به مطالعه آماری دارد که می تواند زمینه پژوهش دیگری در باره اشعار امین پور باشد.

۱-۲- طرحی برای صلح (۲)

این شعر که با پرسشی صریح پایان می یابد به غیر منطقی بودن علت دشمنی و معلول آن که جنگ است، تأکید دارد: «شهیدی که بر خاک می خفت/ چنین دردش گفت: اگر فتح این است/ که دشمن شکست، چرا همچنان دشمنی هست؟» (امین پور، ۱۳۸۶: ۱۷).

علاوه بر متن شعر، عنوان آن نیز بر وجود صدای صلح تأکید می کند. علاتمندان به شعر امین پور می دانند که این عنوان سه بار و در سه شعر متفاوت توسط شاعر به کار گرفته شده است.

۱-۳- طرحی برای صلح (۳)

در این شعر تمنای صلح و اشتیاق به آن بار دیگر مطرح می‌شود. با این تفاوت که سؤال وجود ندارد بلکه گزاره‌ای تأکیدی بر «امید پیروزی واقعی/ نه در جنگ/ که بر جنگ!» آرزوی شاعر برای جهانی بدون جنگ را بازگو می‌نماید. آنچه این گزاره را از سایر آرزوهای متداول برای صلح متمایز می‌کند این است که از دهان کسی شنیده می‌شود که جنگ و تبعات آن را با گرانبهارترین سرمایه که وجود خویش بوده تجربه کرده است: «شهیدی که بر خاک می‌خفت/ سرانگشت در خون خود میزد و می‌نوشت/ دو سه حرف بر سنگ:/ به امید پیروزی واقعی/ نه در جنگ،/ که بر جنگ» (امین پور، ۱۳۸۶: ۱۸).

۱-۴- ترانه ای برای آشتی

گزینش واژه در این شعر به گونه‌ای صورت گرفته که بر وجود جنگ در طول حیات بشر و در عین حال بر عبث بودن همیشگی آن تأکید شده است. حرص و آرزوی انسان که دلیل جنگ در ادوار گوناگون تاریخ بوده در اینجا با طرح پرسشی بسیار ساده و صریح به انتقاد گرفته شده و دعوت به صلح در آخرین خط مشهود است: «تمام زمین جای جولان توست/ بگو جا برای تو تنگ است باز/ نه تنها زمین، آسمان مال توست/ نیازی به شمشیر و جنگ است باز؟» (امین پور، ۳۸۶: ۳۲).

۲- اشعار ویلفرد اوون

ملاقات غریب (Strange Meeting)

این شعر سربازی انگلیسی را به تصویر می‌کشد که برای فرار از آتشباری نیروی متخاصم در شبی تاریک به دالانی مملو از اجساد سربازان دشمن پناه می‌برد، ناگهان یکی از اجساد برمی‌خیزد و به او زل می‌زند، گویی او را می‌شناسد؛ با او گلایه‌مند و انتقاد آمیز وارد صحبت می‌شود زیرا روز قبل به دست همین سرباز انگلیسی کشته شده است.

در خطی از این شعر به تأسف جنگ (The Pity of War) و اسفناک بودن آنچه جنگ به بار می‌آورد (The Pity War) اشاره می‌شود. اشاره می‌شود، اشاره معناداری می‌کند که خالی از کنایه نیست. به عبارت روشن‌تر، قرار گرفتن واژگان «رضایت» و «هدر رفتن» که حتی در معنای ابتدایی خویش تضاد آشکاری را نشان می‌دهند، بر بیهودگی جنگ دلالت دارند. اما این بیهودگی به طعنه، آن هم با اشاره به رضایت عده‌ای، از هدر دادن سرمایه‌های انسان در میدان جنگ به تصویر کشیده شده است.

Now men will go content with what we spoiled. (Owen, 2013:195)

گوینده در آغاز سرباز انگلیسی را این گونه خطاب قرار می‌دهد:

I am the enemy you killed, my friend/I know you in this dark; for so you frowned/Yesterday through me as you jabbed and killed/I parried; but my hands were loath and cold/ Let us sleep now... (Ibid).

من همان دشمنی هستم که تو کشتی، دوست من

تو را در این تاریکی شناختم؛ زیرا تو دیروز با اخم بدنم را

سوراخ کردی و مرا کشتی، من دفاع کردم؛ اما دستانم

سرد و بی‌تمایل بودند

حالا بگذار بخوابیم...

صراحت کلام سرباز در خط اول گزیده شعر که واژه‌های «دشمن» و «دوست» را در کنار یک دیگر قرار داده، از همان ابتدا عدم کارایی یا غیرقابل اعتماد بودن زبان در خلق مفاهیم را به رخ می‌کشد. به این صورت که کلمات دوست و دشمن در گفت‌وگو به کار گرفته می‌شوند اما تهی از معنا هستند؛ زیرا سرباز، فرد انگلیسی مقابل را دوست خود می‌داند و بر عدم تمایل دستان سرد خویش در تلافی ضربه او اشاره و در نهایت او را به خوابیدن در کنار یکدیگر مانند دو هم قطار دعوت می‌کند. شیلینگ در مورد جمله آخر این شعر که نیمه تمام می‌ماند، معتقد است که «ادامه سخن با آخرین کلمات سرباز قطع می‌شود. این سطر درباره صلح و کوتاه آمدن است و احتمالاً هم‌ترازی در کل اشعار اوون ندارد» (2006:66).

۲-۲- موج انفجاری‌ها (Mental Cases)

در مقدمه از قول مک‌لاخلین گفته شد که نوشتن درباره جنگ باعث مطرح شدن صلح می‌شود. شعر «موج انفجاری‌ها» درباره آسیب دیدگان مغزی سروده شده است. توصیف وضعیت جسمی و روحی این افراد که نتیجه مستقیم جنگ است، ناخودآگاه خواننده را در مسیر آرزوی صلح و پرهیز از جنگ سوق می‌دهد. به عبارت دیگر، سرودن از آثار مخرب یک پدیده ما را مشتاق به معکوس آن پدیده می‌نماید.

خط اول در قالب دو سؤال مشخص و ادامه شعر با طرح سؤالات پیاپی ذهن مخاطب را به چالش می‌کشاند:

Who are these? Why sit they here in twilight? / Wherefore rock they, purgatorial shadows/... What slow panic/Gauged these chasms round their fretted sockets? (Owen, 2013:214)

اینها چه کسانی هستند؟ چرا در تاریک -روشن نشسته‌اند؟/ چرا این سایه‌های برزخی این چنین می‌لرزند؟/ کدام وحشت آرام حلقه چشمان مضطرب آنان را فروبرده است؟

...Who these hellish? / These are men whose minds the Dead have ravished/Memory fingers in their hair of murders/Multitudinous murders they once witnessed. (Ibid)

این اهل جهنم کدامند؟/ اینها مردانی‌اند که ذهنشان مورد تجاوز اموات قرار گرفته است، انگشت‌های خاطره بر موی کشتارها در ذهنشان دست می‌کشد/ کشتارهای انبوهی که شاهد آن بوده‌اند (همان).

Always they must see these things and hear them/ Batter of guns and shatter of flying muscles/Carnage incomparable and human squander/ Rucked too thick for these men's extrication (Ibid)

آنها همیشه باید این چیزها را ببینند و بشنوند / صدای توپ‌ها و از هم پاشیدن پیکرهای در حال پرواز/ قتل عام بی بدیل و اتلاف انسان/ در کوله پشتی‌های آنها سنگین‌تر از آند که رهایشان کنند.

Thus their hands are plucking at each other/ Picking at the rope-knouts of their scourging; snatching after us who smote them, brother, /Pawing us who dealt them war and madness. (Ibid)

این چنین است که دست‌های پیچیده در خویش آنها گره می‌خورند بر شلاقی که به جانشان افتاده و دراز می‌شوند به سوی ما که آنها

را پس زده ایم برادر/ ناشیانه مارا لمس می‌کنند که بانی جنگ و جنون آنها هستیم (همان).
 طرح سؤال درباره هویت، چرایی وضعیت روحی و جسمی این افراد به اختصار پاسخ داده می‌شود. اما قابل تأمل‌ترین بخش این شعر که آوای صلح را در خود دارد، واژه‌ی «برادر» است. مخاطب شعر که با این عنوان خوانده می‌شود، در ضمیر جمع «ما» که جنگ و جنون را برای «آنها» باعث شده‌ایم، طرفین درگیر را باهم به شنیدن دعوت می‌کند. به عبارت دیگر، من و تو «ما» باعث جنگ و جنون شدیم در حالی که «ما»، آنطور که شعر تأکید دارد، برادر هستیم. قبلاً گفته شد که شیلینگ هم‌ترازی برای خط آخر شعر «ملاقات غریب» را در دیگر اشعار اوون نیافته است؛ اما نگارندگان بر این باورند که واژه‌ی «برادر» در شعر «موج انفجاری‌ها» بسیار رساتر از «خواهیدن در کنار هم مثل دو هم قطار» صدای صلح را در گوش خواننده طنین‌انداز می‌کند.

۲-۳- جنگ بعد (The Next War)

در این شعر راوی از هم‌نشینی مداوم سربازان با مرگ سخن می‌گوید. حضور مرگ در تمام لحظات زندگی آنها به تصویر کشیده شده است:

Out there, we have walked quite friendly up to Death/Sat down and eaten with him, cool and bland, /
 Pardoned his spilling mess-tins in our hand.../ Oh, Death was never enemy of ours! /We laughed at him,
 we laughed with him, old chum. (Owen, 2013:210)

ما با مرگ دوستانه قدم زده‌ایم/ با او نشسته و غذای سرد و بی مزه را خورده‌ایم/ ریختن کنسروهای غذای مان را بر او بخشیده‌ایم/ آه!
 مرگ هرگز دشمن ما نبوده است/ با این رفیق قدیمی به او خندیده‌ایم.
 در انتهای بند دوم راوی دلیل خنده‌ی خویش بر مرگ را امید به آینده‌ای میبیند که در آن جنگ‌هایی بزرگ‌تر توسط انسان‌های بهتر
 علیه مرگ و برای زندگی در خواهد گرفت.

We laughed, knowing that better men would come/ And greater wars: When each proud fighter brags/
 He wars on Death, for lives, not men, for flags (Ibdi).

ما خندیدیم زیرا می‌دانستیم انسان‌های بهتری خواهند آمد/ جنگ‌های بزرگتری واقع خواهند شد/ زمانی که هر جنگجوی مغروری
 دم از نبرد خویش علیه مرگ و برای زندگی خواهد زد، نه با انسان‌ها به خاطر پرچم‌ها (همان).
 راوی شعر فوق باور دارد در نبردهای بزرگ آینده انسان‌ها برای پرچم‌ها نخواهند جنگید و برای زندگی به میدان می‌آیند. واضح
 است که جنگ علیه مرگ و به خاطر زندگی تعریف درگیری برای صلح است.

۲-۴- رؤیای یک سرباز (A Soldier's Dream)

این شعر با عنوان گویای خود، رؤیای سربازی در خواب را تصویر می‌کند:

I dreamed kind Jesus fouled the big-gun gears/ And caused a permanent stoppage in all bolts;/ And
 buckled with a smile Mausers and Colts;/ And rusted every bayonet with His tears./ And there were no

more bombs, of ours or theirs,/ Not even an old flint-lock, not even a pikel./But God vexed, and gave all power to Michael; And when I awoke he had seen to our repairs.(Own,2013:227)

خواب دیدم عیسی مهربان چرخ دنده‌های توپ بزرگ را از کار انداخته/ و تمام پیچ‌ها را برای همیشه قفل نموده؛/ و با لبخندی تپانچه‌های ماوزر و کلت را بی مصرف کرده؛/ و تمام سرنیزه‌ها را با اشک‌های خویش زنگار آلود نموده است./ و دیگر بمبی نیست، نه برای ما و نه برای آنها/ حتی تپانچه باروتی یا نیزه دسته چوبی هم نیست/ اما خداوند آزرده شد و تمام قدرت خویش را به میکائیل بخشید؛ و هنگامی که بیدار شدم او همه چیز را تعمیر کرده بود.

چنانکه بیان صریح این شعر نشان می‌دهد، از کار افتادن عراد توپ، قفل شدن پیچ‌ها، بی مصرف ماندن تپانچه‌های گوناگون، زنگار گرفتن سرنیزه‌ها، عدم وجود بمب برای طرفین، نبودن حتی ابتدایی‌ترین ابزار جنگی، همه در رؤیای سرباز که هویت او در وجود جنگ یا آمادگی برای آن تعریف می‌شود، اشتیاق وی به صلح را نشان می‌دهد. هرچند با بیدار شدن، واقعیت جنگ خود را به رخ سرباز طالب صلح می‌کشد و رؤیای او را برهم می‌زند.

با توجه به آنچه در موارد فوق بررسی و بحث گردید، شعر جنگ بنا بر ماهیت خویش، توانسته تداعی کننده صلح یا فراخوان به پرهیز از جنگ باشد. در حالیکه صراحت بیان امین پور مخاطب را آشکار و در مواردی پرسش‌گرانه دعوت به اندیشیدن درباره جنگ و آثار ناشی از آن می‌کند. اوون با قرار دادن مخاطب در موقعیتی که قادر به تصور وضعیت موجود باشد، چنان او را در وحشت جنگ سهیم می‌نماید که آرزوی صلح ناخودآگاه در ذهن وی شکل بگیرد.

نتیجه‌گیری

وجود صدای صلح در نمونه اشعار جنگ سروده قیصر امین پور و ویلفرد اوون در این تحقیق بررسی و آشکار شد. به عبارت دیگر، اشعار مورد بحث وجود صدای صلح در گفتار روایان شعر را تأیید می‌نماید. لازم به توضیح است که صراحت گفتار و بیان روشن امین پور در تصویر خمیازه کشیدن خواب در دهان مسلسل‌ها، ایجاد تردید در علت وجود دشمنی «چرا همچنان دشمنی هست؟»، پیروزی واقعی بر جنگ و عدم نیاز به شمشیر و جنگ، صدای صلح موجود در اشعار او را آشکارا و بدون واسطه به گوش می‌رساند. از سوی دیگر، اشعار اوون با ذکر آلام ناشی از جنگ، هدر دادن جوانان، اذهان همیشه درگیر با خاطره کشتار و نظایر آن، ابتدا واقعیت تلخ این پدیده‌ی آفریده انسان را تبیین می‌کند، سپس با استفاده از واژه‌هایی نظیر دوست، برادر، زندگی، جنگ با مرگ و مانند آن، از رؤیای یک سرباز درباره جهانی عاری از انواع سلاح سخن می‌گوید. نتیجه آنکه در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، تطبیق ماهیت صدای صلح در اشعار برگزیده و بحث شده در این پژوهش نشان می‌دهد که روایان شعر اوون با تصویر نمودن پلشتی‌های جنگ، دعوت به صلح و پرهیز از جنگ را به ذهن ناخودآگاه خواننده متبادر می‌کنند. در حالیکه روایان امین پور دعوت به صلح را به صراحت و با خطاب قرار دادن ذهن آگاه خواننده انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، بیان مستقیم امین پور نیاز به درگیر کردن ذهن برای دریافت معنای نهان در اشعارش را نمی‌طلبد؛ اما بیان در لفافه اوون برای ته‌نشین شدن در ضمیر ناخودآگاه خواننده، نیاز به قدری تأمل را ناگزیر ساخته است. یافته‌های این جستار تنها مختصر گوشه‌ای از امکان مطالعات تطبیقی را پوشش داده اما به پژوهشگران علاقمند به حوزه مطالعات ادبیات جنگ یادآوری می‌کند که وجود ندای صلح نهفته در آثار هنری مرتبط با جنگ همواره موضوعی چالش

برانگیز و نیازمند پژوهش‌های متنوع در تطبیق این آثار با یکدیگر است.

منابع

الف) منابع فارسی

- ابراهیمی دینانی، غلام حسین (۱۳۸۷). هر جا که سخن هست، جامعه هست. شکفتن در آتش: با خاطره شاعر حماسه‌ها و دروغ‌ها قیصر امین پور، به کوشش جواد محقق، تهران: هنر رسانه اردیبهشت.
- امین پور، قیصر (۱۳۷۹). تنفس صبح، تهران: انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی.
- امین پور، قیصر (۱۳۸۶). دست‌ورزبان عشق، تهران: مروارید.
- امین پور، قیصر (۱۳۸۶). به قول پرستو، تهران: افق.
- امین پور، قیصر (۱۳۹۷). آینه‌های ناگهان، تهران: افق.
- امینی، اسماعیل (۱۳۸۷). «اعجاز ما همین است» در شکفتن در آتش: با خاطره شاعر حماسه‌ها و دروغ‌ها قیصر امین پور، به کوشش جواد محقق، تهران: هنر رسانه اردیبهشت، ص ۲۲-۲۳.
- بهره‌ور، مجید و مریم نیکخواه (۱۳۹۱). «جنگ و کودکی در آثار قیصر امین پور»، ادبیات پایداری، دوره سوم، شماره پنجم، ص ۴۷-۵۷.
- ترابی، ضیاءالدین (۱۳۸۷). «در تنفس صبح: نقد نخستین مجموعه شعر قیصر امین پور»، در شکفتن در آتش: با خاطره شاعر حماسه‌ها و دروغ‌ها قیصر امین پور. به کوشش جواد محقق، تهران: هنر رسانه اردیبهشت، ص ۸۱-۹۸.
- جاوید شاد، مهدی و نعمتی زیارتی، امیرحسین (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی اشعار انگلیسی آغازین و پایانی جنگ جهانی اول بر اساس مفهوم هژمونی و ضد هژمونی». مطالعات تطبیقی، سال سیزدهم، شماره ۵۲، ص ۲۹۶-۲۷۵.
- جاوید شاد، مهدی و برجساز، غفار (۱۳۹۶). «از ایده آلیسم تا رئالیسم: بررسی مقابله‌ای شعر مقاومت انگلستان در دو مکتب جورجی و مدرنیسم». دو فصلنامه ادبیات دفاع مقدس، دانشگاه شاهد، دوره یکم، شماره یک، پاییز و زمستان ۱۳۹۶. ص ۴۳-۵۴.
- حسینی، حسن (۱۳۸۷). «شگرد و یا هوشیاری شاعرانه: توضیح چند شعر جنگ و دفاع مقدس قیصر»، در شکفتن در آتش: با خاطره شاعر حماسه‌ها و دروغ‌ها قیصر امین پور، به کوشش جواد محقق، هنر رسانه اردیبهشت، ص ۱۱۸-۱۱۳.
- راکعی، فاطمه (۱۳۸۶). «متوکل و مردمی»، در رسم شقایق: سوگنامه قیصر امین پور، تهران: سروش، ص ۸۱-۸۵.
- زرین‌کمر، رضا و سیار، محمد مهدی (۱۳۹۹). «سه رویکرد به مسئله جنگ در اشعار قیصر امین پور»، ادبیات پایداری، دوره دوازده، شماره بیست و دو، ص ۵۱-۸۲.
- سعیدی کیاسری، هادی (۱۳۸۶). «نا آراسته به زیورهای عاریت»، در رسم شقایق: سوگنامه قیصر امین پور، تهران: سروش، ص ۱۱۵-۱۲۴.
- شالبافان، محمدرضا (۱۳۸۷). «برادر تنی شعر جنگ: نگاهی به اشعار دفاع مقدسی قیصر»، در شکفتن در آتش: با خاطره شاعر حماسه‌ها و دروغ‌ها قیصر امین پور، به کوشش جواد محقق، تهران: هنر رسانه اردیبهشت، ص ۱۳۱-۱۴۲.
- شکارسری، حمیدرضا (۱۳۸۷). «در گرانیگاه تکنیک و اندیشه در شعر دفاع مقدسی قیصر»، در شکفتن در آتش: با خاطره شاعر حماسه‌ها و دروغ‌ها قیصر امین پور، به کوشش جواد محقق، تهران: هنر رسانه اردیبهشت، ص ۱۳۰-۱۲۵.

- شمس آبادی، حسین و کارآمدف راضیه (۱۳۹۷). «بازتاب تصویر انسان آواره و کودک جنگ زده در شعر محمود درویش و قیصر امین پور»، ادبیات پایداری، دوره دهم، شماره هیجده، ص ۲۶۷-۲۸۶.
- صداقت، پروین (۱۳۹۸). «بازنمایی جنگ و صلح در اشعار قیصر امین پور»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران.
- یوست، فرانسوا (۱۳۹۷). مقدمه بر درآمدی بر ادبیات تطبیقی، ترجمه علیرضا انوشروانی و همکاران، تهران: انتشارات سمت.

ب. منابع انگلیسی

- Campbell, M. (2001). *Poetry and War*. In Neil Roberts (Ed.), *A Companion to Twentieth-Century Poetry* (pp.64-75). Blackwell Publishing.
- Dominguez, C., Haun Saussy & Dario Villanueva. (2015) *Introducing Comparative Literature: New trends and applications*, Routledge.
- Gifford, Henry (1969) *Comparative Literature*, London: Routledge & Kegan Paul.
- Jost, Francois. (1974). *Introduction to Comparative Literature*. New York: Pegasus.
- Karim Abadi, H. (2016). *The function of imagery in selected war poems of Wilfred Owen and Qeyzar Aminpour: A comparative study*. Payame Noor University, Arak.
- Mc.Loughlin, K. (2009). War and words. In McLoughlin, K. (ed). *The Cambridge Companion to War Writing*, 15-25. Cambridge University Press.
- Ngide, G. E. (2016). A 'war poet' or a 'poet at war': Wilfred Owen and the pity of war. *International Journal of Applied Linguistics & English Literature*, 5(1), 170-177.
- Owen, W. (2013). *The Complete Wilfred Owen, the collected poetic works*. Bybliotech. Org.
- Sayakhan, N. I., & Jamal, K. (2017). The ugliness of war in the perspective of the speaking dead in the poems of Wilfred Owen and Sherko Bekas. *International Journal of Humanities and Cultural Studies*, 3(4) 252-258.
- Schilling, T. C. (2006). *Wilfred Owen, Siegfried Sassoon, and the Great War discourse on "Shell-Shock"*.
- Taghavipoor, S. (2018). *Representation of war in the selected poetry of Wilfred Owen and Keith Castellain Douglas: A thematic study*. Semnan University.